

خانواده مدیران در نظام اسلامی

از منظر قرآن

محمد عابدی میانجی*

تأیید: ۸۸/۳/۶

دریافت: ۸۷/۹/۹

چکیده

خانواده از نگاه قرآن به عنوان واحد مستقل اجتماعی ظرف بروز شایستگی‌های بالقوه در انسان است، به گونه‌ای که اگر در مسیر هدف نهایی خلقت (قرب به خدا) قرار گیرد، ابزار سعادت و گرنه، وسیله سقوط می‌شود. قرآن عوامل مهم این سقوط را «اصیل‌پنداری پیوند خانوادگی»، «گرایش به فسق و نافرمانی و بی‌قانونی به‌خاطر خانواده»، «غرور و غفلت نسبت به آخرت به‌خاطر خانواده» می‌داند.

در رویکرد به خانواده (خانواده مدیران) چند ویژگی مهم در این واحد اجتماعی دیده می‌شود که عبارتند از: «بهره‌مندی از اطلاعات ویژه»، «برخورداري از موقعیت برتر اجتماعی»، «الگوشدن برای جامعه»، «هدف قرارگرفتن برای سوء استفاده بدخواهان نظام سیاسی» و «موقعیت برتر و مسؤلیت فزونتر». *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*
با توجه به این ویژگیها، تعامل آنها می‌تواند برای خود، جامعه و نظام، سازنده یا مخرب باشد و همین امکان تعامل مخرب، وظایفی را برای مدیران فراهم می‌سازد که مهمترین آنها: «آموزش و تبیین حق»، «نظارت بر عملکرد خویشاوندان» - از طریق ایجاد حریم و برنامه‌ریزی تربیتی برای آنان - و «تبری و اعلام بی‌زاری مؤثر از منکرات آنان» می‌باشد.

واژگان کلیدی

مدیران، اهل، خانواده، نظام اسلامی، خویشاوندی، آسیب‌زدایی

اگرچه خانواده، کوچکترین واحد اجتماعی است، ولی افراد آن اصلی‌ترین تشکیل‌دهندگان تمام واحدهای اجتماعی‌اند.^۱ بنابراین، با اصلاح آن می‌توان به بسامانی‌بزرگترین واحد، یعنی جامعه اقدام کرد.^۲ در مورد بحث خانواده، همواره مباحثی چون جامعه‌شناسی خانواده، جایگاه خانواده در نهادهای اجتماعی، تأثیرپذیری نهادهای اجتماعی از خانواده و... مورد توجه علمای اخلاق - که با عنوان تدبیر منزل از آن یاد کرده‌اند - و دیگر اندیشمندان بوده است. در دوره اسلامی، موضوع خانواده از همان آغاز، مورد توجه قرآن کریم و سنت و سیره نبوی بوده است و با کاوش بر محور واژه‌هایی چون اهل، آل، ابن، ام و... می‌توان به بخشهایی از چگونگی رویکرد قرآن و سنت به خانواده دست یافت. گرچه تا کنون کتابها و تحقیقاتی پیرامون کارکردهای خانواده در حوزه‌های مختلف ارائه شده است، ولی ضرورت دارد که نقش مثبت و منفی خانواده در حوزه مدیریتی مدیران و آسیب‌شناسی آن از نگاه قرآنی شناخته شود تا به یافتن ساز و کارهای مؤثر در تعامل نهاد خانواده با نهادهای مدیریتی اجتماعی بینجامد و به روشن‌شدن چگونگی تعامل خانواده و مدیران در حوزه سیاست و مدیریت و کشف بایدها و نبایدهای سرنوشت‌ساز آن کمک کند. واقعیت این است که به دلیل غلبه نگاه فردی به آموزه‌های قرآنی، کمتر از آنچه که بایسته و شایسته است به مباحث حکومتی پرداخته شده و این نوع نگاه عملاً مهجور مانده است؛ به گونه‌ای که آیات مربوط به رهبران و زمامداران و مدیران دینی و دنیایی در قرآن، تنها از زوایای فردی تحلیل و تفسیر شده است. بعد از وقوع انقلاب اسلامی و نیاز به مبانی قرآنی برای ارکان حکومت اسلامی، این نیاز بیش از پیش احساس شد، هر چند در تفاسیری چون «المیزان فی تفسیر القرآن» و «تفسیر نمونه» و تفاسیر متأخر، تلاش شده است با این دید به آیات نگاه شود، اما هنوز به‌خصوص «به‌طور موضوعی» جای مطالعات قرآنی حکومت‌نگر خالی است. این مقاله تلاشی است در این راستا که می‌کوشد به عنصر خانواده با نگاه حکومتی و مدیریتی بپردازد تا افقهای جدیدی برای رفتار خانوادگی مدیران نظام اسلامی و تعامل آنها با خانواده و خویشاوندان، گشوده شود.

قرآن کریم از دو منظر به خانواده توجه دارد؛ خانواده به عنوان «واحد مستقل اجتماعی» و خانواده به لحاظ «واحد مؤثر در زیرساخت واحدهای بزرگتر» که در این مقاله از منظر دوم به این موضوع خواهیم پرداخت.

۱. ر.ک: بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلامعلی توسلی و رضا فاضل: ۱۸۰.

۲. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴: ۲۸۷.

بخش اول: خانواده در قرآن

هدف از خلقت، رسیدن به کمال انسانی و حیات طیبه است. برای وصول به این هدف، خداوند دنیا را آفرید تا انسان با اختیار، خیر یا شر، خوبی یا بدی، پلیدی یا پاکی را برگزیند و استعدادش را با عمل، به فعلیت برساند و شایستگی‌اش برای قرب الهی یا دورشدن از آن را برای خود و دیگران اثبات نماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل (۱۶): ۹۷)؛ هر کسی از مرد یا زن کار شایسته‌ای انجام دهد، در حالی که مؤمن است، پس قطعاً او را به زندگانی پاکیزه‌ای زنده می‌داریم و حتماً مزدشان را طبق بهترین چیزی که همواره انجام می‌دادند، به آنان پاداش خواهیم داد.^۱

از این رو، قرآن کریم نگاهی ابزارری و ثانوی به خانواده دارد و کارکرد آن را در جهت هدفی اصیل می‌داند. خداوند، دنیا و هر چه در آن است را زینت، ابزار امتحان و وسیله تحقق یافتن شایستگی درونی انسان قرار داد^۲ که خانواده^۳ هم از جمله این ابزارهاست:

«الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» (کهف (۱۸): ۴۶)؛ ثروت و پسران زینت زندگی دنیا هستند...

آیات متعددی^۴ گویای این کارکرد ابزارری خانواده است که به آنها اشاره می‌کنیم:

الف - خانواده؛ ابزار سعادت

اگر خانواده در مسیر هدف غایی خلقت (قرب الهی) و در خدمت آن قرار بگیرد، ابزار سعادت خواهد شد. از این رو، در آیات الهی، خانواده ابزار امداد الهی^۵، پوشش و محافظ^۶ یا مایه بهره‌مندی^۱ معرفی شده است. از این منظر، خانواده، زمینه و ابزار اجر

۱. رک: سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲: ۳۴۱؛ شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶: ۴۲۴؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶: ۵۹۳.

۲. رک: کهف (۱۸): ۷ و ۴۶.
۳. رک: تفاعیل (۶۴): ۱۵؛ محمدطاهر بن عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲۸: ۲۸۳؛ محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳: ۲۷؛ مراغی، تفسیر مراغی، ج ۲۸: ۱۲۶؛ وهبه زحیلی، المنیر فی تفسیر القرآن، ج ۲۸: ۲۵۷؛ مکارم شیرازی، پیشین: ۲۰۶.

۴. رک: انفال (۸): ۲۸؛ آل عمران (۳): ۱۴؛ شیخ طوسی، پیشین، ج ۵: ۱۰۶؛ طباطبایی، پیشین، ج ۹: ۵۶ و ج ۳: ۹۵؛ محمد رشید رضا، المشار، ج ۳: ۲۳۹؛ مکارم شیرازی، پیشین، ج ۷: ۱۳۸.

۵. رک: اسراء (۱۷): ۶.
۶. رک: بقره (۲): ۱۸۷؛ فخر رازی، پیشین، ج ۵: ۱۱۶؛ طبری، جامع البیان، ج ۲: ۱۶۲؛ مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱: ۶۵۰؛ طباطبایی، پیشین، ج ۴: ۶۴.

عظیم خواهد بود:

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» (انفال

(۸): (۲۸)؛ و بدانید که اموال و اولادتان وسیله آزمون شما هستند و اجر

بزرگ تنها نزد خداست.^۲

خداوند نمونه‌های فراوانی از این کارکرد مثبت را در قرآن کریم ذکر می‌کند که از جمله آنها آیات مربوط به آزمایش حضرت ایوب علیه السلام است.^۳ در آیه‌ای دیگر کارکرد مثبت یاد شده، حتی در گستره قیامت به تصویر کشیده می‌شود.^۴

ب - خانواده؛ ابزار سقوط

خروج از کارکرد مطلوب الهی و به‌کار بستن روشهای منتهی به حیات ظلمانی، خانواده را به ابزاری ضد ارزشی تبدیل می‌کند. زمانی خانواده ابزار سقوط است که پیوندی اصیل تلقی شود، به‌گونه‌ای که رابطه انسان با خدا را که رابطه‌ای اصیل و حقیقی است، تحت الشعاع قرار دهد، یا زمینه‌ساز فسق و نافرمانی انسان و یا باعث غرور و غفلت از حیات طیبه انسانی شود.

۱- اصیل‌پنداری پیوند موهوم خانوادگی

ملاک پیوند اصیل از نگاه قرآنی، هر پیوندی است که در واقع رابطه‌ای الهی باشد؛ چون پیوند اصیل، همان وابستگی واقعی به خداست. لذا در قیامت هر آنچه رنگ غیر الهی دارد، رنگ می‌بازد و همه پیوندها گسسته و تبدیل به دوری و گریز می‌گردد؛ حتی پیوندهای خانوادگی:

«يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ...» (عبس (۸۰): ۳۴-

۳۶)؛ روزی که مرد از برادرش و مادرش و پدرش و همراهِش (همسرش) و پسرانش فرار می‌کند....^۵

حتی درباره پیامبران، آیات تأکید می‌کنند که پیوندها گسسته می‌شود. در این مورد می‌توان به آیات مربوط به زن نوح و لوط اشاره کرد.^۶ همچنین درباره پسر نوح تصریح

۱. ر.ک: آل عمران (۳): ۱۴؛ طباطبایی، پیشین، ج ۳: ۹۵.

۲. ر.ک: مکارم شیرازی، پیشین، ج ۷: ۱۳۷.

۳. ر.ک: انبیاء (۲۱): ۸۳-۸۴؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۴: ۳۱۴.

۴. ر.ک: طور (۵۲): ۲۱؛ ابن‌کثیر، تفسیر ابن‌کثیر، ج ۴: ۳۷۴؛ وهبه زحیلی، پیشین، ج ۲۷: ۶۷؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۹: ۱۳.

۵. همچنین ر.ک: انعام (۶): ۹۴؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۵: ۲۸۸؛ مؤمنون (۲۳): ۱۰۱؛ شعراء (۲۶): ۸۷-۸۹.

۶. ر.ک: تحریم (۶۶): ۱۰-۱۱؛ مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۸: ۱۲۰-۱۲۲.

می‌شود که:

«إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ» (هود: ۴۶): او از اهل تو نیست، او عمل غیر صالح است.^۱

علامه طباطبایی در ذیل آیه ۸۸ سوره شعراء می‌نویسد:

چون مال و فرزندان که مناظ یاری و همکاری در دنیاست، رابطه وهمی اجتماعی است که خارج از ظرف اجتماع بشری اثری ندارد و روز قیامت روز کشف حقایق و قطع اسباب است، لذا مال به مالیتش و فرزند به فرزندبودن و قرابتش نفعی ندارد (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۵: ۲۸۸).^۲

با توجه به سرنوشت‌ساز بودن چگونگی تعامل با پیوندهای اصیل و وهمی، لزوم شناخت دقیق مرز آنها روشن می‌شود. لذا خداوند در آیاتی به برخی از مصادیق این پیوندها اشاره می‌کند. مثلاً در حوزه خانواده، امر^۳ می‌کند که انسان به پدر و مادر، نیکی کند؛ زیرا آنان از اسباب و وسایل زندگی دنیایی‌اند. اما اگر همینان خواستند در رابطه اصیل انسان و خدا خلل ایجاد کنند، چنین دستور می‌دهد:

«وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (عنکبوت: ۲۹): ۸؛ و اگر آن دو تلاش کنند برای من همتایی قائل شوی که به آن آگاهی نداری، از آنها پیروی نکن. بازگشت شما به سوی من است و از آنچه کرده‌اید، شما را آگاه می‌کنم.^۴

۲- گرایش به فسق و نافرمانی به خاطر خانواده

در صورت تزاحم پیوندهای اعتباری با پیوند الهی، اگر پیوند اعتباری کنار نهاده نشود، موجب فسق و نافرمانی می‌شود:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَبِجَارَةٍ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ» (توبه)

۱. ر.ک: طباطبایی، پیشین، ج ۱۰: ۲۳۴؛ مطهری، پیشین: ۱۱۸-۱۲۰.

۲. وی در ذیل آیه ۹۴ انعام و ۱۰۱ مؤمنون هم به نفی سود هر سبب وضعی اعتباری در جامعه که با آن منافع مادی جلب می‌شود، توجه می‌دهد. همان، ج ۱۶: ۱۰۴؛ مطهری، پیشین، ج ۶: ۲۳۲، ذیل آیه ۳ سوره ممتحنه.

۳. «وصینا» در آیه ۸ سوره عنکبوت به معنای امر است. (ر.ک: طباطبایی، پیشین، ج ۱۶: ۱۰۴).

۴. آیه علاوه بر دستور به ترجیح پیوند الهی، تعریضی توبیخ‌آمیز به کسانی دارد که ایمان آوردند، ولی به خاطر تلاش پدر و مادر از ایمان برگشتند (ر.ک: طباطبایی، پیشین، ج ۱۶: ۱۰۴؛ لقمان (۳۱): ۱۴-۱۶؛ طباطبایی،

پیشین، ج ۱۶: ۲۱۶).

(۹: ۲۴)؛ (ای پیامبر) بگو اگر پدران شما و فرزندانان و برادرانان و همسرانان و خانه‌هایتان و اموالی که به دست آورده‌اید و داد و ستدی که از کسادی‌اش می‌ترسید و خانه‌هایی که به آن خشنودید، نزد شما از خدا و فرستاده‌اش و جهاد در راه او محبوب تر است، پس در انتظار باشید تا خدا فرمانش را آورد و خدا گروه نافرمان‌بردار را راهنمایی نمی‌کند.^۱

در ماجرای خضر و موسی علیه السلام و قتل نوجوان نیز از تأثیر محبت فرزند در کشاندن والدین به کفر و طغیان یاد می‌شود.^۲

موضوع ترجیح پیوندهای وهمی دنیایی بر پیوند حقیقی انسان با خدا، در عرصه مدیریت و سیاست، بیش از هر حوزه دیگر، بشریت را به کژراهه و جاده تباهی کشانده است. ماجرای غمبار گزینش یزید از سوی پدرش معاویه، تنها یکی از این ترجیحات منجر به فسق و نافرمانی است؛ امری که امام حسین علیه السلام را واداشت تا در نامه‌ای به معاویه، ضمن یادآوری خدا و قیامت و ارتباط حقیقی بشر، او را از عاقبت ترجیح پیوند باطل و وهمی برحذر دارد: «ای معاویه! از خدا بترس و بدان که همه گناهان کوچک و بزرگ تو در پرونده‌ی خدایی ثبت شده است. این را نیز بدان که خداوند، جنایات تو را که به‌صرف گمان مردم را می‌کشی و به‌محض اتهام، آنان را بازداشت و گرفتار می‌سازی و کودکی شرابخوار و سگ‌باز (فرزندت یزید) را به حکومت رسانده‌ای، هرگز به‌دست فراموشی نخواهد سپرد. تو با این کار، خود را به نابودی انداختی و دین خود را تباه و حقوق مردم را پایمال کردی.»^۳

چنین بی‌توجهی‌ای به کارکرد تخریبی خانواده، باعث می‌شود که انسان مرتکب بدعت تغییر نظام امامت به نظام پادشاهی و حکومت موروثی شود؛ کاری که با پیش قدمی معاویه آغاز شد و تا به امروز این منکر سیاسی عظیم و سرنوشت‌سوز ادامه یافته است.

۳- غرور به خانواده و غفلت نسبت به آخرت

با ترجیح پیوند وهمی و گرفتاری در باتلاق عصبان و نافرمانی، چهره‌ای سیاه و عداوت‌آلود از خانواده ترسیم خواهد شد. قرآن کریم بر این اساس برخی از دوستان را دشمن برخی دیگر در قیامت می‌داند^۴ و برخی از همسران و اولاد را دشمن مؤمنان

۱. رک: طباطبایی، پیشین، ج ۹: ۲۰۷؛ مطهری، پیشین، ج ۶: ۲۳۲-۲۳۴.

۲. رک: کشف (۱۸): ۷۴-۸۱؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۶: ۳۴۸.

۳. رک: ابن قتیبه دینوری، الامامة والسياسة، ج ۱: ۱۸۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴: ۲۱۲.

۴. رک: زخرف (۴۳): ۶۷.

معرفی می‌کند.^۱ در آیه‌ای به صراحت می‌فرماید:

فَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ (توبه (۹): ۵۵)؛ اموال و فرزندانشان تو را شگفت‌زده نکند. جز این نیست که خدا می‌خواهد به وسیله آن در زندگی دنیا عذابشان کند و جانهایشان برآید در حالی که آنان کافرنند.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه معتقد است، حیات دنیا که بشر برای خود راحت و سعادت می‌پندارد، زمانی سعادت است که در مجرای حقیقی خود جریان یابد و انسان آثار آن را پذیرا باشد (علم نافع، عمل صالح) و به آنچه خیر و نفع ندارد، مشغول نشود. این حیاتی است که مرگ ندارد.^۲ اما کسی که مشغول دنیا و مجذوب زینتهای آن از مال و فرزند شود و آمال کاذب، او را فریب دهد، در تناقضات قوای بدنی و تراحمات لذتهای مادی می‌افتد و به شدیدترین عذابها - که خود، سعادت و لذتش را در آن می‌بیند - عذاب می‌شود. دنیا هر قدر به انسان رو آورد و با زیادی اموال و اولاد، بهره‌مندش سازد، به همان مقدار او را از جایگاه بندگی و حیات طیبه، دور کرده، به هلاکت و عذاب روح نزدیک می‌کند و همیشه در بین این اسباب موافق و مخالف و اوضاع سازگار و مزاحم، از این رو به آن رو خواهد شد. آنچه این غافلان، توسعه زندگی می‌نامند، در حقیقت سختی و گرفتاری است.^۳ نتیجه روی گردانی انسان از یاد خدا و چسبیدن به دنیا برای رسیدن به راحتی و آرامش و لذت روح، عذاب‌شدن توسط افتادن در فتنه‌هایی است که نعمت می‌انگارد و بسا خروج از ذی بندگی، به خدا هم کافر می‌شود.^۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بخش دوم: خانواده مدیران در قرآن

اینک که دیدگاه قرآن درباره کارکرد مثبت و منفی خانواده در حیات آدمی به اجمال روشن شد، می‌توان به‌طور خاص، نگاه قرآن به خانواده مدیران (هدف اصلی این مقاله) را مطرح کرد. در این بخش، ابتدا باید ویژگی‌های خاص خانواده مدیران - که علاوه بر ویژگی‌های عمومی هر خانواده و کارکرد ابزاری آن است - را برشمرد و آنگاه با توجه به شرایط ویژه، چگونگی تعامل مدیران و خانواده را از منظر قرآن بررسی کرد.

۱. رک: تباين (۶۴): ۱۴؛ مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۴: ۲۰۳؛ مطهری، پیشین، ج ۷: ۱۷۴؛ الحویزی، نور الثقلین، ج ۵: ۳۴۲.

۲. رک: یونس (۱۰): ۶۲.

۳. رک: طه (۲۰): ۱۲۶.

۴. اعراف (۷): ۱۸۳؛ طباطبایی، پیشین، ج ۹: ۳۰۹؛ فخر رازی، پیشین، ج ۱۶: ۹۳؛ شیخ طوسی، پیشین، ج ۵:

۲۳۸؛ طبرسی، پیشین، ج ۵: ۶۰.

الف - ویژگی خانواده مدیران

خانواده به‌عنوان محل تولد، رشد و تربیت و به‌عنوان پشتوانهٔ اعضا در میان تمام گروه‌های اجتماعی، مطرح است.^۱ اما آنچه در این فصل مورد توجه است، ویژگی‌های مخصوصی است که قرآن کریم برای خانوادهٔ حاکمان، رهبران، مدیران و گروه‌های بالادست مطرح می‌کند؛ هرچند شمارش دقیق این ویژگی‌ها، مجال وسیع‌تری را می‌طلبد.

۱- بهره‌مندی از اطلاعات ویژه

خانواده مدیران با اخبار و رویدادهای حوزهٔ مدیریت اعضای خود ارتباط دارند و گاه موضوعات مورد گفت‌وگوی آنها حول همین محورهاست. از این رو، آگاهی بیشتر و دقیق‌تری نسبت به دیگران دارند. امروزه از این موقعیت در صورتی که موجب بهره‌برداری نابجا و سوء استفادهٔ بستگان گردد، به رانت اطلاعاتی تعبیر می‌شود. ماجرای افشای اسرار پیامبر توسط برخی زنان وی که در آیات اول تا چهارم سورهٔ تحریم آمده، از جمله مواردی است که بر خسورداری خانوادهٔ حاکمان، رهبران، سیاست‌مداران و مدیران از اطلاعات فراتر از سطح عمومی جامعه را تأیید کرده و احتمال سوء استفاده از آنها و نحوهٔ عکس‌العمل مدیران را نشان می‌دهد. نمونهٔ دیگری از تلاش برای سوء استفاده از اطلاعات یاد شده را در رفتار دو تن از صحابه می‌توان دید که نزد «ام سلمه» - همسر پیامبر - آمدند و گفتند: تو قبل از پیامبر، همسر مرد دیگری بودی، در حالت تنهایی و امور مخفی خانوادگی، چه فرقی بین پیامبر و دیگران است... وقتی پیامبر ﷺ از این واقعه مطلع شد، ناراحت شد، به گونه‌ای که عرق از صورت و بین چشم‌هایش سرازیر گشت و در حالی که عبایش به زمین کشیده می‌شد به مسجد آمد و بر منبر نشست و فرمود: «چرا گروه‌هایی اسرار مرا دنبال می‌کنند و از حال تنهایی من سؤال می‌کنند، در حالی که به خدا سوگند از نظر حسب از همهٔ شما باکرامت‌تر هستم و از نظر ولادت، نطفه‌ام از همهٔ شما پاکتر است...»^۲

این واقعه به آن دلیل روی داد که گروهی می‌خواستند به دلیل بچه‌دارنشدن زنان از

۱. این کارکردها در تمام جوامع وجود دارد. بروس کوئن کارکردهای خانواده را چنین می‌شمارد: ۱- نظام بخشیدن به رفتارهای جنسی و تولید مثل؛ ۲- مراقبت و نگهداری کودکان معلول؛ ۳- اجتماعی کردن کودکان (خانواده، تنها گروهی است که کودک با آن تماس مستمر دارد. به همین دلیل، خانواده در شکل‌گیری دیدگاه‌ها، ارزش‌ها و باورهای کودک، نقش اصلی را بر عهده دارد و بر نوع روابطی که فرد با عوامل و نهادهای اجتماعی دیگر دارد، تأثیر می‌گذارد)؛ ۴- تثبیت جایگاه اجتماعی و تعیین پایگاه‌ها؛ ۵- فراهم کردن امنیت اقتصادی. (وی معتقد است، کارکرد اجتماعی کردن کودک در جوامع صنعتی از پنج یا شش سالگی به مدرسه واگذار می‌شود. کارکردهای اقتصادی و... هم همین طور به تدریج از خانواده گرفته می‌شود) (ر.ک: کوئن، پیشین: ۱۸۱).

۲. ر.ک: کلینی، کافی، ج ۵، ۵۶۵، ح ۴۱.

پیامبر، عیب و نقص‌هایی به او نسبت دهند که با فرزنددار شدن «ماریهٔ قبطیه» خنثی شد. قرآن کریم به خانواده رسول اکرم ﷺ توصیه می‌کند که:

«وَأَذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ» (احزاب (۳۳): ۳۴)؛
و آنچه را در خانه‌های شما از آیات خدا و حکمت خوانده می‌شود، یاد کنید.

بر این اساس، زنان رسول خدا به دلیل قرارگرفتن در کانون وحی و شنیدن آیات قرآن و تعلیمات اسلامی و... «موقعیت خاص» دارند و می‌توانند سرمشق زنان در مسیر تقوا یا گناه باشند.^۱

یکی از نمونه‌های روشن تلاش برای استفاده از رانت اطلاعاتی، اقدام «عقیل» برای برخورداری بی‌جا از اموال بیت‌المال است. وی که از اعضای خانواده امیر مؤمنان علی علیه السلام بود، به محض اطلاع از وصول اموال جدید به بیت‌المال، نزد امام آمد و تقاضای اموالی، خارج از سهم خود کرد.

آن حضرت در توصیف این واقعه چنین می‌فرماید: «به خدا سوگند برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهی‌دست شده و از من درخواست داشت یک من (حدود ۳ کیلو) از گندمهای بیت‌المال را به او ببخشم. کودکش را دیدم که از گرسنگی، موهایشان ژولیده و رنگشان تیره شده بود؛ گویی با نیل رنگ شده بود. پی‌درپی مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می‌کرد. روزی آهنی را در آتش گداختم و به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم. مانند بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. گفتم: ای عقیل! گریه‌کنندگان بر تو بگریند، از حرارت آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم کرده است، ولی مرا به آتش جهنم می‌خوانی که خدای جبار با خشم خود گداخته است...»^۲.

۲- برخورداری از موقعیت برتر اجتماعی

انتساب به حاکمان، رهبران و مدیران، علاوه بر آگاهی بیشتر، موقعیتی برتر پدید می‌آورد. این موقعیت از یک‌سو به‌خاطر کسب آگاهی بیشتر (و به تبع آن قدرت فزونت) و از سوی دیگر برای بهره‌گیری از موقعیت بالای حاکمان است. به این آیه توجه کنیم:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّبَعْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ...»

۱. رک: مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۷: ۲۸۸.

۲. رک: نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

(احزاب (۳۳): ۳۲)؛ ای زنان پیامبر (شما) همچون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خود نگهداری (و پارسایی) می‌کنید، پس به نرمی (و ناز) سخن مگویید...^۱

در تفسیر نمونه، درباره این آیات می‌خوانیم:

اگر چه مخاطب در این سخنان، همسران پیامبرند، ولی محتوای آیات و نتیجه آن، همگان را شامل می‌شود؛ مخصوصاً کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوایی و تأسی مردم قرار گرفته‌اند. آنها همیشه بر سر دو راهی قرار دارند؛ یا استفاده از موقعیت‌های ظاهری خویش برای رسیدن به زندگی مرفه مادی و یا تن‌دادن به محرومیت‌ها برای نیل به رضای خدا و هدایت خلق (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۸۲ و ۲۸۴).

تاریخ اسلام همواره شاهد سوء استفاده از این نوع موقعیت‌های برتر بوده است که به‌ویژه در عرصه سیاسی، ضربات جبران‌ناپذیری به فضای سیاسی و ثبات سیاسی وارد کرده و نظام اسلامی را از نعمت فرصت‌ها محروم و گرفتار حل معضلات برخاسته از سوء استفاده از موقعیت‌های خانوادگی و خویشاوندی کرده است. وقوع جنگ جمل از مهم‌ترین بهره‌برداریهایی از موقعیت برتر خانواده حاکمان و سیاست‌مداران اسلامی است که این درس را به سیاستمداران و مدیران داد که باید متوجه این امکان جامعه‌سوز باشند. امام علی علیه السلام همواره گرفتار این مشکل بود. به‌ویژه آنکه سوء استفاده از موقعیت‌ها در آن دوره که وابستگی‌های قبیله‌ای و عشیره‌ای قوی‌تر بود.

امام علی علیه السلام به ماجرای شورای خلافت اشاره و از نقش «ترجیح خانواده و خویشاوند» بر «حق و عدالت» چنین یاد می‌کند: «جعلها فی جماعة زعم انی احدهم فیالله و للشوری! متی اعتراض الریب فی مع الاول منهم حتی صرت اقرن الی هذه النظائر! لکنی اسففت اذ اسفوا و طرت اذ طاروا فصفا رجل منهم لضغنه و مال الآخر لصره مع هن و هن» (نهج البلاغه، خطبه ۳)؛ سپس [«عمر»] خلافت را در گروهی قرار داد که پنداشت من همسنگ آنان می‌باشم. پناه بر خدا از این شورا در کدام زمان در برابر شخص اولشان در خلافت مورد تردید بودم تا امروز با اعضای شورا برابر شوم که هم‌اکنون مرا همانند آنها بیندارند و در صف آنها قرار دهند؟! ناچار باز کوتاه آمدم و با آنان هماهنگ شدم. یکی از آنها [سعد بن ابی وقاص] با کینه‌ای که از من داشت، روی

۱. در قرآن واژه «نساء» و «نساء» ۵۷ بار آمده است. نساء با الف بر رفعت و عزت و نساء بر عارضه و مریضی دلالت دارد. رک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ذیل ماده «نساء».

برتافت و دیگری [عثمان] دامادش [عبدالرحمن بن عوف] را بر حقیقت، برتری داد... بدین ترتیب موقعیت خانوادگی برتر در خدمت تأمین اهداف سیاست‌مداران قرار می‌گیرد و عامل خروج از حق و حقیقت می‌گردد. در ادامه همین خطبه، امام دربارهٔ سوء استفاده مستمر خانواده و خویشان چنین تصریح می‌کند: «الی ان قام ثالث القوم نافجاً حَضْنِهِ بَيْنَ نَثِيلِهِ وَ مَعْتَلَفِهِ وَ قَامَ مَعَهُ بَنُو اَبِيهِ يَخْضُمُونَ مَالَ اللَّهِ خَضْمَةَ الْاِبْلِ نَبْتَةَ الرَّبِيعِ الِیْ اِنْ اَنْتَكُثَّ عَلَيْهِ فَتَلَهُ وَ اَجْهَزَ عَلَيْهِ عَمَلَهُ وَ كَبَتْ بِهِ بَطْنَتَهُ» (همان)؛ تا آنکه سومی به خلافت رسید. دو پهلوی از پرخوری باد کرده و همواره بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود. خویشان پدری او از بنی‌امیه به پا خاستند و همراه او بیت المال را خوردند و به باد دادند؛ چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری افتد.

۳- الگوشدن برای جامعه

همان‌گونه که حاکمان، مدیران و به‌طور کلی افراد بالادست و دارای موقعیت برتر، همواره مورد توجه و الگوی افراد پایین‌دست و زیرمجموعه هستند. خانوادهٔ آنان نیز همین کارکرد را دارند و خواسته و ناخواسته رفتار آنان مورد تقلید و آرزوی دیگر خانواده‌ها قرار می‌گیرد.

در تفسیر نمونه ذیل آیهٔ ۳۰ سورهٔ احزاب به این واقعیت توجه شده است:

همیشه مقامات حساس و افتخارآمیز، وظایف سنگینی نیز همراه دارد. چگونه زنان پیامبر می‌توانند ام‌المؤمنین باشند، ولی فکر و قلبشان در گرو زرق و برق دنیا باشد؟!... نه تنها پیامبر ﷺ به مقتضای آیات پیشین «اسوه» مردم است، بلکه خانوادهٔ او نیز باید اسوهٔ خانواده‌ها و زنانش مقتدای زنان بایمان تا دامنهٔ قیامت گردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۷۹).

در این تفسیر به دلیل اهمیت کارکرد فوق، بار دیگر تأکید می‌شود که:

گرچه آیات فوق، پیرامون همسران پیامبر ﷺ سخن می‌گوید که اگر اطاعت خدا کنند، پاداش مضاعف دارند و اگر گناه آشکاری مرتکب شوند، کیفر مضاعف خواهند داشت، ولی از آنجا که ملاک و معیار اصلی، همان داشتن مقام و شخصیت و موقعیت اجتماعی است، این حکم دربارهٔ افراد دیگر که موقعیتی در جامعه دارند نیز صادق است. این‌گونه افراد، متعلق به خود نیستند، بلکه وجود آنها دارای دو بُعد است؛ بعدی متعلق به خودشان است و بُعدی به جامعه تعلق دارد و برنامهٔ زندگی آنها می‌تواند جمعی را هدایت

یا عده‌ای را گمراه کند. بنابراین، اعمال آنها دو اثر دارد؛ یکی اثر فردی و دیگری اثر اجتماعی و از این لحاظ هر یک دارای پاداش و کیفری است (همان: ۲۸۴).^۱

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به معاویه از ویژگی الگوبودن بزرگان و رؤسا حتی برای خانواده خودشان یاد می‌کند و از اینکه معاویه، پدران و بزرگان گمراه قوم خود را الگو قرار دهد، او را سرزنش می‌کند:

و اما قولک، انا بنو عبدمناف، فکذلک نحن، ولكن لیس امیة کهاشم ولا حرب کعبد المطلب ولا ابوسفیان کابی طالب و... و لبئس الخلف خلفاً یتبع سلفاً هوی فی نار جهنم (نهج البلاغه، نامه ۱۷)؛ و اینکه ادعا کردی ما همه، فرزندان عبدمناف هستیم، آری؛ اما جد شما «امیه» مانند جد ما «هاشم» و «حرب» مثل «عبدالمطلب» و «ابوسفیان» مانند «ابوطالب» نیستند... و چه زشت هستند فرزندانی که پدران گذشته خود را در ورود به آتش پیروی کنند.

کارکرد الگویی مدیران و سیاستمداران تنها در صحنه جامعه نیست، حتی در حوزه داخلی خانواده و خویشان هم نمونه‌های فراوانی از الگوپذیری منفی را شاهد بوده‌ایم که به تغییر سرنوشت توده‌های مردمی انجامیده است. قرآن کریم از این گروه‌ها چنین یاد می‌کند:

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا» (بقره ۱۷۰: ۲)؛ و چون گفته شود آنچه را خدا نازل کرد پیروی کنید، گویند، بلکه به آنچه را که پدرانمان را بر آن یافتیم، پیروی می‌کنیم.^۲

۴- هدف قرار گرفتن برای سوء استفاده بدخواهان

آگاهی بیشتر، موقعیت برتر و الگوبودن، عوامل مهمی برای جلب طمع فرصت‌طلبان و موقعیت‌جویان است و در طول تاریخ، خانواده حاکمان، رهبران و زعمای سیاسی و مذهبی و مدیران از این جهت در معرض آسیب بوده‌اند. به عبارت دیگر، این امتیاز بزرگ، همواره بزرگترین آسیب‌رسان به مدیران و اهداف آنان بوده است. از این‌رو،

۱. با توجه به این استدلال، نتیجه می‌گیرند که مفهوم مضاعف یا مرتین افزایش ثواب و عقاب است؛ دو یا چند برابر شدن آن.

۲. همچنین رک: اعراف (۷): ۷۰، هود (۱۱): ۶۲ و ۸۷، نحل (۱۶): ۵۸ - ۵۹، فتح (۴۸): ۲۹ و ۵۲، زخرف (۴۳): ۲۳.

خانواده مدیران باید این خطر را احساس کنند و به عنوان عنصر تأثیرگذار در رفتارهای خود، آن را فراموش نکنند. چنین خطر مهمی است که موجب می شود خداوند همسران پیامبر را این گونه مورد خطاب قرار می دهد:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقَلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ...»

(احزاب (۳۳): ۳۲-۳۳)؛ ای زنان پیامبر! شما مانند هیچ یک از زنان نیستید؛ اگر تقوا پیشه می کنید، پس به گونه ای هوس انگیز سخن نگویید که بیمار دلان نسبت به شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند و در خانه هایتان بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین، (میان مردم) ظاهر نشوید و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و خدا و رسولش را اطاعت کنید...^۱

باید توجه کرد که خداوند در آغاز این آیات می فرماید: شما اگر تقوا پیشه کنید، مانند زنان دیگر نیستید، سپس تکالیفی که بین همه زنان مشترک است را می آورد. دلیل چنین کاری چه می تواند باشد؟ علامه طباطبایی می نویسد:

کأنه قيل: لستن لغيركن فيجب عليكن ان تبالغن في امتثال هذه التكليف و تحتطن في دين الله اكثر من سائر النساء و تؤيد بل تدل على تأكد تكاليفهن مضاعفة جزائهن خيراً و شراً كما دلّت عليها الآية السابقة فان مضاعفة الجزاء لا تتفك عن تأكد التكليف (طباطبایی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۶: ۳۰۷).

برای این است که تکلیف آنها را مورد تأکید قرار دهد. گویا می فرماید: شما مثل دیگران نیستید، پس واجب است که در این گونه تکالیف، بیشتر مواظبت کنید و تلاش بیشتری - نسبت به دیگران - نمایید. مضاعف شدن جزای خیر و شر هم بر این برداشت دلالت می کند؛ چون مضاعف شدن جزا از مؤکد بودن تکلیف جدا نیست.

سوء استفاده و طمع به خانواده سیاستمداران، نمونه های بسیار روشنی در طول تاریخ اسلام دارد و این طمع همواره بوده است و خواهد بود. بنابراین، سیاستمداران و اساساً نظام اسلامی باید راهکارهای علمی و عملی برای کاهش آثار آن و از بین بردن امکان سوء استفاده و طمع به موقعیت برتر خانواده سیاستمداران و رهبران را فراهم آورد. واقعه جنگ جمل به خوبی نشان داد که با وجود آیات صریح، چگونه موقعیت

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: شیخ طوسی، پیشین، ج ۸: ۳۳۴؛ طبرسی، پیشین، ج ۸: ۵۵۴؛ فخر رازی، پیشین، ج ۲۵: ۲۰۷؛ محمد طاهر بن عاشور، پیشین، ج ۲۱: ۳۱۴.

برخی از زنان رهبر اسلامی مورد طمع قرار گرفت. در این جنگ که براساس طمع طلحه و زبیر به بیت‌المال و حکومت کوفه و بصره در سال ۳۶ هجری روی داد، گروهی عایشه را که دارای موقعیت برتر دینی و الگویی بود، پیش انداختند. وی با توجه به زمینه‌های روحی و عاطفی که نسبت به امام علی علیه السلام داشت، سوار بر شتر، پیشاهنگ جنگی شد که سیزده هزار کشته به طرف خود و پنج هزار شهید به لشکر امام تحمیل کرد.^۱ امام علی علیه السلام پس از پیروزی در جنگ جمل فرمود: «اما عایشه! پس افکار و خیالهای زنانه بر او پیره شد و کینه‌ها در سینه‌اش چون کوره آهنگری شعله‌ور گردید. اگر از او می‌خواستند آنچه را که بر ضد من انجام داد، نسبت به دیگری روا دارد، سر باز می‌زد. به‌هر حال، احترام نخست او برقرار است و حسابرسی اعمال او با خدای بزرگ می‌باشد».^۲

جالب اینکه یکی از عاملان اصلی ماجرا (زبیر) نیز توسط همین کارکرد دچار خطا شد؛ زیرا او توسط فرزندش عبدالله در این گرداب سیاسی گرفتار شد، به‌گونه‌ای که امام علی علیه السلام فرمود:

ما زال الزبیر رجلاً منا اهل البيت، حتى نشاء ابنه المشؤوم عبدالله...
(نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳).

موقعیت برتر؛ مسؤولیت فزونتر

در یک نظام عادلانه و معقول، مسؤولیت هر کسی براساس میزان کارایی و شایستگی‌های او تعیین می‌شود و از این رو، خانواده‌مدیران که به دلیل الگوبودن، کارایی فزونتری در جامعه دارند، مسؤولیت بیشتری هم خواهند داشت و تکالیف آنها سنگین‌تر خواهد بود و چون میزان ثواب و عقاب، متناسب با مسؤولیت است، ثواب و عقاب آنان هم افزونتر است. بنابراین، سخن در این نیست که سیاست‌مداران همواره دیدگاه منفی نسبت به خانواده و خویشان داشته باشند و از ظرفیت‌های آنان در مسیر خدمت به نظام اسلامی سود نبرند؛ بلکه به دلیل بالابودن ضریب خطا توسط اعضا و زیادبودن احتمال طمع به آنان از سوی سودجویان، باید به‌گونه‌ای ضابطه‌مند، قابل حسابرسی محتاطانه، عادلانه و بدون تبعیض باشند. البته گاه این احتمالات، آنقدر زیاد و خطرناکی از آن بنیان‌کن می‌باشد که خداوند مستقیماً به زنان رسول خدا دستور می‌دهد «قَرْنَ فِی

۱. در آمار کشته‌ها اختلاف هست. شیخ مفید می‌نویسد: برخی ۲۵ هزار و عبدالله بن زبیر ۱۵ هزار نفر می‌داند. وی خود ۱۴ هزار نفر را و طبری ۱۰ هزار نفر می‌دانند (ر.ک: جعفر سبحانی، *فروغ ولایت*: ۴۵۲).
۲. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۱۵۶؛ همچنین ر.ک: ابن ابی‌الحدید، *شرح نهج البلاغه*، ج ۶: ۳۱۴.

بِوَيْتِكُمْ...» (احزاب (۳۳): ۳۳)؛ روشی که ما عملاً در سیره رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی علیه السلام هم دیده‌ایم و همین سیره توسط رهبر انقلاب، آیه‌الله خامنه‌ای تداوم یافته است. با این حال با رعایت کارآمد آن اصول احتیاطی در سطوح پایین‌تر نظام اسلامی، می‌توان به ظرفیت‌های خدمت‌رسانی آنان اجازه بروز داد. لذا علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۳۲ احزاب یادآور می‌شود که مضاعف‌شدن جزا از مؤکد بودن تکلیف جدا نیست.^۱ با این توضیح می‌توان معنای این آیات را بهتر درک کرد:

«يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا وَمَنْ يُقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا» (همان: ۳۰-۳۱)؛ ای زنان پیامبر! هر کس از شما (کار) زشت آشکاری (به جا) آورد، برای او عذاب دو چندان افزوده می‌شود و آن بر خدا آسان است و هر کس از شما برای خدا و فرستاده‌اش با فروتنی فرمانبرداری کند و (کار) شایسته‌ای انجام دهد. پاداشش را دو بار به او خواهیم داد و روزی ارجمندی برای او آماده کرده‌ایم.^۲

ب - تعامل خانواده با مدیران

اینک که ویژگی‌های خانواده مدیران بیان شد، دقیق‌تر می‌توان چگونگی تعامل آنها را ترسیم کرد. در این فصل باید از دو طرف به موضوع نگریست؛ ابتدا تعامل سازنده با مدیران و آنگاه مانع‌سازی آنان برای مدیران. البته وظایف مدیران در برابر خانواده (به عنوان طرف دیگر تعامل) نیز در این فصل جای می‌گیرد، ولی به دلیل اهمیت و تفصیل بحث در بخشی جداگانه به آن خواهیم پرداخت.

۱- تأثیر سازنده عنصر خویشاوندی بر مدیران

مواضع خانواده و بستگان در مقابل مدیران، گاه به گونه تعامل مثبت و زمانی به گونه تعامل منفی است. یکی از نمونه‌های بارز تعامل سازنده، همکاری کامل حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخت‌ترین شرایط مکه است؛ شرایط دشواری که

۱. ر.ک: طباطبایی، پیشین، ج ۱۶: ۳۰۷.

۲. ر.ک: مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۷: ۲۸۳؛ طباطبایی، پیشین، ج ۱۶: ۳۱۴؛ مراغی، پیشین، ج ۲۱: ۱۵۱؛ شیخ

طوسی، پیشین، ج ۸: ۳۳۴.

تصور آن هم غیر ممکن به نظر می‌رسد. همچنین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام نمونه پرفروغی از این تکامل مثبت است. به‌عنوان نمونه قرآنی نیز می‌توان از همسر حضرت ایوب^۱ یاد کرد. در آیاتی از سوره احزاب خداوند، همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به همراهی با وی تشویق می‌کند:

«وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْأَخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا» (همان: ۲۹)؛ و اگر همواره خدا و فرستاده‌اش و سرای آخرت را می‌خواهید، خدا برای نیکوکاران از شما، پاداش بزرگی آماده ساخته است.

«وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لِيَرْضَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا» (همان: ۳۱)؛ و هر کسی از شما برای خدا و فرستاده‌اش با فروتنی فرمانبرداری کند و (کار) شایسته‌ای انجام دهد، پاداشش را دو بار به او خواهیم داد و روزی ارجمنندی برای او آماده کرده‌ایم.

گرچه مخاطب در این سخنان، همسران پیامبرند، ولی محتوای آیات و نتیجه آن همگان را شامل می‌شود؛ خصوصاً کسانی که در مقام رهبری خلق و پیشوایی و تاسی مردم قرار گرفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۸۲). از میان فرزندان هم می‌توان به اسماعیل فرزند حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره کرد که الگوی تعامل مثبت است.^۲

۲- تأثیر تخریبی خانواده بر مدیران

در مورد تعامل منفی خانواده با مدیران نسبت به تعامل سازنده، آیات بیشتری از قرآن به این امر اختصاص دارد. خداوند نسبت به این کارکرد تخریبی، بارها هشدار داده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (منافقون: ۶۳)؛ ۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموالتان و اولادتان شما را از یاد خدا باز ندارند.

«إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ» (تغابن: ۶۴)؛ ۱۴)؛ همانا برخی از همسران و فرزندانان، دشمن شما هستند.

۱. رک: طباطبایی، پیشین، ج ۱۴: ۳۱۴.
۲. رک: صافات (۳۷): ۱۳۷.

همسران برخی پیامبران چون نوح و لوط علیهم السلام، فرزندان تعدادی از ایشان مانند فرزندان نوح و آدم علیهم السلام و بستگان برخی پیامبران، مثل برخی بستگان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آن جمله‌اند. نمونه‌هایی دیگر از آیات چنین است:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا...»

(احزاب (۳۳): ۲۸)؛ ای رسول به همسرانت بگو اگر دنیا و زینت آن را

می‌خواهید، بیایید شما را از متاع دنیا بهره‌مند سازم و به‌نیکویی طلاق دهم....

این آیه مربوط به زمانی است که رسول خدا در غزوهٔ خیبر پیروز و بر گنج‌های آل ابی‌الحق، مسلط شد. همسران رسول خدا یا برخی از آنها گفتند: «از آنچه به‌دست آوردی به ما هم بده». پیامبر فرمود: آن‌طور که خدا دستور داد بین مسلمانان تقسیم کردم. آنها ناراحت شدند و گفتند: شاید فکر می‌کنی اگر ما را طلاق بدهی، هم‌ترازی از قوم خود برای ازدواج پیدا نمی‌کنیم؟! خداوند دستور داد پیامبر از آنها کناره‌گیرد.

این رویکرد زنان در صورت دریافت پاسخ مثبت، پیامبر را به زندگی تجملاتی و تضعیف ارزشهایی که مبلغ آن بود و نابودی آنها از درون سوق می‌داد و چنین کارکرد تخریبی‌ای بود که موجب شد خداوند این عکس‌العمل را مطرح کند.

میبدی در توضیح آیه ۷۶ سورهٔ نساء به سبب عظیم‌دانستن کید زنان و ضعیف شمردن کید شیطان اشاره می‌کند و می‌نویسد:

کید زنان را عظیم خواند؛ زیرا کید زنان در تو اثر کند بی تو و بی مراد تو؛

چنانکه ترا ارادتی نبود؛ اما شیطان، تا از تو ارادتی نبود، کید وی نیاید و

وسوسه نتواند کرد... دیگر تو را از شیطان جز خیالی و وسوسه مجرد نیست

که تو او را نمی‌بینی و... کید زنان را عظیم خواند؛ از آن جهت که در آن هم

دیدار است و هم خیال (میبدی، ۱۳۳۸ش، ج ۲: ۵۸۲).

این سخن به معنای خطرناک‌بودن این مانع است؛ همان‌طور که در صورت سازنده بودن تعامل از سوی زن، می‌تواند سر به سریر عرش بساید که بانوانی چون مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه علیهم السلام نمونه‌های آشکار این تعامل هستند. به بیان دیگر، این تفسیر به معنای بدبینی به زنان نیست؛ بلکه عمق خطرناک‌بودن تعامل منفی آنان را یادآور می‌شود.

۳- وظایف مدیران در برابر خانواده

وظایف مدیران به تناسب کارکرد ویژه خانواده‌هایشان، بیش از اشخاص دیگر است. با نگاهی قرآنی به این موضوع درمی‌یابیم که وظیفهٔ آنان، آموزش خانواده و گام

بعدی، حفظ آنان از خطر و سرانجام در صورت مثمر ثمر نبودن این اقدامات، جداکردن راه خود از آنان است.

اول: آموزش و تبیین حق

آموزش و تربیت، اصلی‌ترین وظیفه، نسبت به خانواده است. از این‌رو سیاستمداران و مدیران نظام اسلامی نباید با غفلت از این وظیفه بدیهی، اسباب گرفتاری و گناه را برای آنان فراهم سازند و خود نیز در حوزه مدیریتی، همواره نگران کارکرد تخریبی آنان باشند. قرآن کریم با بیان موعظه‌ها و آموزشهای متعدد لقمان به فرزندش، به خوبی این نقش تعلیمی و تربیتی را یادآور می‌شود. با نگاهی به این آیات درمی‌یابیم که طیف «آموزشهای همراه با تربیت» چه گستره‌ای را شامل می‌شود؛

۱- توحید:

«وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ» (لقمان (۳۱): ۱۳).

۲- معاد:

«يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ» (همان: ۱۶).

۳- نماز و...

«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (همان: ۱۷).

۴- اخلاق و...

«وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» (همان: ۱۸ و ۱۹).

به‌رغم چنین توصیه‌هایی در عصر ما، این‌گونه به‌نظر می‌آید که فرصت تربیت و تعلیم کمترین فضا را در سبد خانوارها - به‌ویژه شاغلان و مخصوصاً شاغلان در عرصه سیاست و مدیریت - به خود اختصاص داده است. رسول اکرم ﷺ درباره چنین غفلت بزرگی می‌فرماید:

ویل لاولاد آخر الزمان من آبائهم. فقيل يارسول الله من آبائهم المشركين، فقال لا، من آبائهم المؤمنين؛ لا يعلمونهم شيئاً من الفرائض. اذا تعلموا اولادهم منعوهم ولم يرضوا عنهم يعوض يسير من الدنيا فانا برىء منهم و

هم بریء منی (نوری طبرسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۲۵)؛ وای بر فرزندان آخرالزمان از پدرانشان! پرسیدند: یا رسول الله! از پدران مشرک آنها؟ فرمود: نه، از پدران مؤمنشان! که چیزی از احکام دین را به آنان یاد نمی دهند و درباره آنان به چیز اندکی از امور مادی راضی هستند. من از آنها بیزارم و آنها از من بیزارند.

مسئولیت اعضای خانواده در برابر انحرافات هم، موضوعی است که در فرهنگ اسلامی هرگز با اهمال روبه رو نشده است و به ویژه سیاستمداران و رهبران مسئولیتی دو چندان دارند. امام سجاد علیه السلام می فرماید:

انک مسؤول عما ولیته به من حسن الادب و الدلالة علی ربه عزوجل و المعونة له علی طاعته (مجلسی، ۱۳۹۸ق، ج ۷۱: ۶)؛ تو در برابر آنچه ولایتش بر عهده تو گذاشته شده است، مسؤول هستی؛ نسبت به تربیت نیکوی او و هدایت نمودنش به سوی پروردگار و یاری او بر اطاعت خدا.

شیوه «تعلیم و تربیت مستمر» روش و سیره تمام انبیای الهی بوده است که خود، حاکمان و رهبران جوامع بودند و اهل سیاست و رهبری باید به آن توجه کنند.

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم (۱۹): ۵۵)؛ [اسماعیل] همواره خانواده اش را به نماز و زکات امر می کرد و نزد پروردگارش مورد رضایت بود.

سیره پیامبران، آکنده از به کارگیری روش آموزش و تربیت است که به عنوان نمونه به آیاتی اشاره می کنیم:

۱- «وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» (بقره (۲): ۱۳۲-۱۳۳)؛ و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به آن (آیین) سفارش کردند؛ ای پسران من! در حقیقت، خدا برای شما این دین را برگزیده است؛ پس نمیرید مگر در حالی که مسلمانید. آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید (شما) شاهد بودید؟ وقتی که به پسرانش گفت: «پس از من چه چیز را می پرستید؟» گفتند: معبود تو و معبود نیاکانت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را می پرستیم و ما تنها تسلیم او هستیم.

مفسران در ذیل این آیات به مسؤولیت پدر در تربیت فرزند و حقوق فرزند بر پدر پرداخته‌اند^۱، اما این اشخاص به‌عنوان پیامبران الهی و رهبران دینی هم باید مورد توجه باشند. این رهبران خانواده‌های خود را آموزش می‌دهند و در حساس‌ترین لحظات (هنگام مرگ) آموزه‌های خود را به‌صورت توصیه و وصیت، مورد تأکید قرار می‌دهند.

۲- «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزَوِّجَكُمُ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ...» (احزاب (۳۳): ۲۸)؛ ای پیامبر! به همسرانت بگو اگر دنیا و زینت آن را اراده کرده‌اید... و اگر خدا و رسول و خانه آخرت را می‌خواهید...

پیامبر هنگام مواجهه با مانع‌سازی همسران، ابتدا به تبیین راه حق و باطل می‌پردازد و به آنها توضیح می‌دهد که «جمع بین توسعه زندگی و بهره‌گیری از زندگی و زینتها و همسری پیامبر و زندگی در خانه‌اش ناشدنی و غیرممکن است. همین‌طور هر یک از دو طرف (دنیا- آخرت) را مقید به طرف دیگر می‌کند و منظور از «اراده حیات دنیا و زینت‌هایش» اصل قرارداد آن است؛ چه آخرت را هم اراده کنند یا نه و مراد از «اراده حیات آخرت» هم اصل قرارداد آن «در تعلق قلب به آن» است، چه توسعه دنیوی ایجاد شود یا نه»^۲.

دوم: نظارت بر عملکرد خویشان

مدیران، علاوه بر آموزش خانواده و تبیین حق و باطل و مواضع خطر، باید در عمل هم برای حفظ خانواده از خطر بکوشند. این کار می‌تواند با ایجاد حریم، امر و نهی و... ممکن باشد. اینک به توضیح دو راهکار مذکور می‌پردازیم.

الف - ایجاد حریم: اولین توصیه، ایجاد حریم بین اعضای خانواده و دیگران است، به‌گونه‌ای که لزوم حفظ حرمت و کرامت اعضای خانواده، موجب قطع طمع شود و امکان آسیب‌رسانی به دیدگاه‌ها، گرایشها، رفتارها و اظهارنظرهای آنان به‌قصد بهره‌برداری از بین برود. نمونه‌هایی از آموزه‌های قرآنی چنین است:

- ۱- دستور حجاب به زنان پیامبر^۳، با اینکه حجاب حکم عمومی است؛
- ۲- دستور به سخن‌نگفتن با صدای نازک؛^۴
- ۳- ماندن در خانه و تبرج‌نکردن؛^۵

۱. رک: محمدجواد مغنیه، *الکاشف*، ج ۱: ۲۰۹.

۲. رک: طباطبایی، پیشین، ج ۱۶: ۳۰۵.

۳. رک: احزاب (۳۳): ۵۹.

۴. رک: همان: ۲۳.

۵. رک: همان: ۱۳۳، مکارم شیرازی، پیشین، ج ۱۷: ۲۸۲.

۴- سخن گفتن با رعایت حریم، با زنان پیامبر:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاطِرِينَ إِنَّا هُوَ وَلَكِنَّ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذَى النَّبِيَّ فَيَسْتَنْخِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَنْخِي مِنْ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» (همان: ۵۳)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر داخل نشوید... و چون از آنها (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت حجاب بخواهید. این برای قلب شما و قلب آنها پاکیزه‌تر است.^۱

نکته مهم در این دست از آیات این است که خداوند می‌پذیرد که مردم، ناچار از ارتباط با خانواده رهبران و مدیران هستند که این هم به کارکردهای ویژه آن خانواده‌ها در جامعه بر می‌گردد. بنابراین، خداوند با پذیرش اصل این نیاز و ضرورت، راهکارهایی ارائه می‌دهد تا ارتباط یاد شده، سالم و نظام‌مند باشد و راه سوء استفاده‌ها بسته شود.

سیره ائمه و بزرگان دین در طول تاریخ نیز همین‌گونه بوده و هست. این رویکرد، به معنای محدود کردن زنان و خانواده نیست؛ بلکه هدف از آن، ایجاد مصونیت برای خانواده و پیشگیری از طمع‌ورزی‌هایی است که می‌تواند اهداف مدیران را نابود سازد. از سوی دیگر، مدیران هم برای پیشبرد اهداف خود، گاه ناچارند از خانواده استفاده کنند؛ به خصوص در حوزه‌هایی که خود حضور ندارند یا توان ایجاد ارتباط و تعامل موجود نیست. نمونه‌هایی از این تعامل را می‌توان در اوایل نبوت پیامبر ﷺ (انجام برخی امور توسط حضرت خدیجه رضی الله عنها)، زمان امام علی رضی الله عنه (فعالیت‌های حضرت فاطمه رضی الله عنها) و زمان امام حسین رضی الله عنه (تلاش‌های حضرت زینب رضی الله عنها) و زمان امام عسکری و امام زمان علیه السلام، (زحمات حضرت نرجس خاتون) مشاهده کرد.

ب - برنامه‌ریزی تربیتی برای خویشاوندان

علاوه بر دورنگاه داشتن خانواده از زمینه‌های خطر انحراف، برنامه‌ریزی برای تربیت و تحکیم مبانی تربیتی خانواده و خویشان، جایگاه مهمی در آسیب‌زدایی درونی از خانواده رهبران و مدیران دارد؛ همین‌طور که این عنصر در تمام طبقات اجتماعی چنین کارکردی را دارد.

۱. رک: طبرسی، پیشین، ج ۸، ذیل آیه ۵۳ سوره احزاب.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»

(تحریم (۶۶): ۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده‌تان را از آتش نگاه‌دارید [آتشی] که هیزم آن مردم و سنگ‌هاست ...

از جمله نکات مربوط به بحث در این آیه عبارتند از:

۱- تعبیر به اینکه خانواده را (نگه‌دارید) بیانگر این حقیقت است که اگر آنها را به حال خود رها کنید، خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می‌روند. شما هستید که باید آنها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید.^۱

۲- «قرآن کریم در این آیه، چنین تعبیری دارد و نهایت را در نظر گرفته است که به سعادت یا شقاوت ابدی منتهی می‌شود. «یا ایها الذین امنوا...» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خاندانتان را از آتشی که هیزمش (یا آتش گیره‌اش) مردم و سنگها هستند، نگاه‌دارید. «در دنیا خودتان را از چیزی که در آخرت هست، نگاه‌دارید؛ یعنی در دنیا خود و خاندانتان را به گونه‌ای تربیت کنید که نتیجه‌اش جلوگیری از سقوط در آتش جهنم است».^۲

۳- وقتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد که چگونه خود و اهل خود را از آتش حفظ کنیم، فرمود: «تأمرونهنّ و تنهونهنّ»؛ آنها را امر و نهی کنید و وقتی پرسیده شد: عمل نمی‌کنند! [در این صورت تکلیف چیست؟] فرمود: وقتی امر و نهی کردید، آنچه را که بر عهده‌تان بود، انجام داده‌اید.^۳

۴- علامه مجلسی در توضیح چگونگی نگاه‌داشتن خانواده از آتش نکاتی را متذکر می‌شود:

الف- دعوت آنان به اطاعت خدا؛

ب- یاددادن فرایض و واجبات؛

ج- نهی از بدی و امر به خوبی.^۴

با مراجعه به آیات قرآن، روشن می‌شود که پیامبران، بارها خانواده خود را امر و نهی می‌کردند و باید‌ها و نباید‌ها را معین می‌نمودند و نکته مهم‌تر اینکه آیه «قوا انفسکم» دقیقاً بعد از ماجراهای مربوط به زنان پیامبر (نافرمانی، افشای اسرار، تقاضاهای مادی و...) آمده است.

۱. رک: مکارم شیرازی، پیشین، ج ۲۴: ۲۸۷.
۲. رک: مطهری، پیشین، ج ۸: ۸۸-۸۹؛ مجلسی، پیشین، ج ۱۸: ۱۷۷.
۳. رک: الحویزی، پیشین، ج ۵: ۳۷۲.
۴. مجلسی، پیشین.

سوم: تبری از منکرات خویشاوندان

وقتی انسان با ارتباطات موهوم و اصیل مواجه است، باید مرز بین آنها را خوب بشناسد تا اینکه وقتی در موقعیت خروج از محدوده ارتباط اصیل و ورود به حوزه ارتباط وهمی قرار می‌گیرد، امکان شناخت مرزها باشد. لذا خداوند از بشر می‌خواهد که محدوده اطاعت از خانواده را بداند و کاملاً مطیع آنان باشد، مگر آنکه به خروج از محدوده الهی بینجامد.^۱ دل بستن به پیوند دنیایی و وهمی خانوادگی، به‌رغم زیر پا گذاشته شدن عدالت و احکام الهی توسط خانواده، از مهم‌ترین ابزارهای دنیامداران برای سوء استفاده از رهبران، سیاستمداران و مدیران است. این نمونه تاریخی گواهی می‌دهد که چگونه بیزاری نجستن از خانواده منحرف، عامل عصیان بیشتر می‌شود:

عبدالله بن عمرو عاص، امام حسین علیه السلام را دید و گفت: هرکس دوست دارد محبوب‌ترین مردم زمین نزد اهل آسمان را ببیند، به این (حسین) نگاه کند؛ گرچه من از شب‌های صفین تا حال با او حرف نزده‌ام! ابوسعید خدری او را نزد امام حسین آورد. حضرت از او پرسید: «الْقَلَمُ اِنِّیْ اَحَبُّ اَهْلِ الْاَرْضِ اِلٰی اَهْلِ السَّمَاوٰتِ وَتُقَاتِلُنَّ وَاَبِیْ یَوْمِ صَفِیْنِ وَاللّٰهُ اِنْ اَبِیْ لَخَیْرٌ مِّنِّیْ».

آیا تو می‌دانستی که من محبوب‌ترین اهل زمین نزد اهل آسمان هستم و با این حال با من و پدرم روز صفین جنگیدی؟! و به خدا قسم پدرم از من بهتر بود.

عبدالله پوزش خواست و گفت: پیامبر به من فرمود که از پدرت اطاعت کن! امام فرمود: «أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَ اللَّهِ تَعَالَى: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا» (لقمان (۳۱): ۱۵)؛ آیا سخن خدا را نشنیده‌ای که اگر پدر و مادرت تو را وادار کنند که آنچه را نمی‌دانی شریک قرار دهی، از آن دو اطاعت نکن!؟»

و آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را نشنیده بودی که: همانا اطاعت از غیر خدا فقط در کارهای نیک است و فرمود: هیچ مخلوقی در چیزی که نافرمانی آفریدگار است، نباید اطاعت شود (فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، ۱۳۸۱ش: ۸۰۲).

از آفات مهم عرصه سیاست و مدیریت در جوامع، همواره خانواده‌محوری، خویشاوندسالاری، قبیله و عشیره و تبارگرایی بوده و هست که خانواده بنی‌امیه (شجره

۱. عنکبوت (۲۹): ۸؛ لقمان (۳۱): ۱۴ و ۱۵.

ملعونه) نمونه کاملاً بارز آن در گذشته تاریخ اسلامی است. آنچه ارتباط خانوادگی را به آفت تبدیل می‌کند، اصالت‌بخشی به آن در برابر دین و ارزشها و حقیقت و مصالح دینی و ملی است؛ حال آنکه خداوند تصریح می‌کند در زمان نزاحم، باید اصالت و محوریت دین و مکتب و مصالح مردم مقدم شمرده شود و تصریح می‌کند که در صورت نزاحم «وَأَتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ» (لقمان (۳۱): ۱۵)؛ از راه کسانی که به من رو کرده‌اند، پیروی کن. علاوه بر این خطاب عمومی، خداوند در خطاب به رهبران الهی هم این مرزها را مشخص کرده و خواهان جداسازی مسیر شده است. نمونه‌هایی از این خطابات چنین است:

۱- «إِنْ كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنْتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُمْ وَأَسْرَحْكُمْ سَرَاحًا جَمِيلًا» (احزاب (۳۳): ۲۸-۲۹)؛ اگر همواره زندگی دنیا و زیور آن را می‌خواهید، پس بیاید شما را بهره‌مند سازم و به نیکویی رها سازم...

۲- «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (هود (۱۱): ۴۶)؛ ای نوح! او از اهل تو نیست، او عملی غیر صالح است. پس چیزی را که به آن آگاهی نداری، نخواه.

علامه طباطبایی در ذیل آیه به نکات سودمندی اشاره می‌کند از جمله:

در وضعیتی که قهر الهی کاملاً ظاهر شد و دنیا و اهلش را فرا گرفت و نوح عالم بالله بود، ادب اقتضا نمی‌کرد که صریحاً از خدا نجات پسرش را بخواهد؛ بلکه به صورت سخن کسی که از حقیقت چیزی استفسار می‌کند، سخن گفت و سخن خدا که «اهلت را - غیر از همسرت - نجات می‌دهم» را یادآوری کرد... نوح پسرش را هم از اهلش و مؤمن می‌دانست و مخالفتش با امر پدر در سوارشدن به کشتی را کفر یا منجر به کفر نمی‌دانست، بلکه معصیتی غیر کفر می‌دانست. لذا گفت: این از اهل من است... چون مراد از اهل در «وَأَهْلِكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ» اهل صالح بودند و فرزندش صالح نبود... البته اهل، به معنای اختصاص بود، لذا در ادامه آورد «أنه عمل غیر صالح»^۱.

۳- «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ...» (همان: ۴۰)؛ تا آنگاه که فرمان (عذاب) ما فرا رسید و تنور فوران کرد. گفتیم از هر (حیوانی، یک) جفت دوتایی و خانواده‌ات و کسانی

۱. ر.ک: طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۰: ۲۳۲-۲۳۴.

که ایمان آورده‌اند، در آن حمل کن، مگر کسی (همسرت) که قبلاً درباره او سخن گفته شد.

۴- «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأةَ نُوحٍ وَامْرَأةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَاتَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ» (تحریم (۶۶): ۱۰).

۴- «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَتَجَنِّي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَتَجَنِّي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (همان: ۱۱).

۵- «إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْريلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا» (همان: ۴-۵)؛ اگر شما دو (همسر پیامبر اکرم) به سوی خدا بازگردید، پس (به سود شماست تا چون) به یقین دلهای شما (به کژی) گراییده است و اگر بر ضد او یکدیگر را یاری کنید، پس (زیانی به او نمی‌رسد؛ چرا که) خدا فقط یاور اوست و بعد از آن جبرئیل و شایسته مؤمنان و فرشتگان، پشتیبان (او) هستند. امید است که اگر شما را طلاق دهد، پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند؛ مسلمان، مؤمن، فرمانبردار (فروتن)، توبه‌کار، پرستشگر، روزه‌دار، بیوه و دوشیزه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۹ق.
۲. ابن عاشور، محمدطاهر، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۳. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۷ق.
۴. الحویزی، عبدالعلی، نورالثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۲ق.
۵. پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، فرهنگ جامع سخنان امام حسین علیه السلام، قم، مشرقین، ۱۳۸۱ش.
۶. دینوری، ابن قتیبه، الامامة و السياسة، قاهره، مکتبه مصطفی بانی و اولاده، ۱۳۸۲ق.
۷. رشید رضا، محمد، المنار، (تفسیر القرآن الکریم)، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۸. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸، ج ۲.

۹. روزنامه کیهان، ۱۳۸۴/۱۲/۱۸.
۱۰. زحیلی، وهبه، المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج فی التفسیر، دارالفکر، بیروت، بی تا.
۱۱. سبحانی، جعفر، فروغ ولایت، تاریخ تحلیل زندگانی امیر مؤمنان علی علیه السلام، قم، مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق علیه السلام، ج ۲، ۱۳۷۶.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۷، ۱۴۲۳ق.
۱۳. طبرسی، ابو علی الفضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹ق.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ۱۴۰۹ق.
۱۶. عبدالباقی، محمدفواد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قاهره، دارالکتب المصریة، ۱۳۶۴ق.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
۱۸. کوئن، بروس، مانی جامعه شناسی، ترجمه دکتر غلامعباس توسلی - رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۸۵ش.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، المكتبة الاسلامیه، ج ۳، ۱۳۹۸ق.
۲۰. مراغی، احمد مصطفی، تفسیر مراغی، قاهره، مكتبة مصطفى بابی و اولاده، ۱۳۷۳ق.
۲۱. مصطفوی، محمدحسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قم، انتشارات علامه مصطفوی، بی تا.
۲۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۸ مجلد، ۱۳۷۹ش.
۲۳. مغنیه، محمدجواد، الکاشف، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۸۴ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۹، ۱۳۷۲ش.
۲۵. میبدی، ابوالفضل رشید الدین، کشف الاسرار و عدة الابرار (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۸ش.
۲۶. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ج ۱، ۱۴۰۷ق.
۲۷. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی و سیدکاظم محمدی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی شاکر، ج ۱، ۱۳۷۹ش.